

البته تقید قطع متعلق به کار دیگران، به حصول از طریق خاص، منافات با حجیت قطع طریقی مطلقاً در حق مکلفان ندارد.

ب. نوع برخورد در پاسخ به پرسش اول در این جا نیز وجود دارد و همان وضعیت از جهت آرا وجود دارد.

ج. نسبت به اثبات مثل زنا موضع سخت گیرانه تری از فقیهان معاصر حتی نسبت به اثبات نسب داریم.

و وجه آن می تواند این باشد که تولد فرزند و انتساب به متهم شاید در اثر جذب منی بوده است. یا به دلیل آن چه گفته شده که در اجرای حد زنا احتمالاً اسباب و علم خاص موضوعیت دارد. و الحدود تدرأ بالشبهات. یکی از ایشان نیز گوید:

«آزمایش، زنا بودن را اثبات نمی کند و لو اطمینان به رابطه پیدا شود. و در دلیل حجیت علم قاضی «اذا رأی الامام» دارد.

د. آرای فقیهان نسبت به ثبوت ارتباط نامشروع با این ابزارها نیز مثل بقیه موارد است؛ از این رو در جواب به سوال چهارم تعابیر ذیل را در اختیار داریم: «نمی توان. در مفروض سوال تعزیر جایز نیست و علم قاضی که ناشی از آن باشد، حجت نیست»؛

«اگر قاضی علم پیدا کند که او مرتکب گناهی شده است، می تواند او را تعزیر کند»؛

ه. نسبت به جریان حد قذف، جواب واحدی از فقیهان مورد مراجعه دریافت شده که مطابق قاعده است. جواب این است:

«اگر نتواند زنا را ثابت کند، حد قذف با شرایط آن جاری می شود».^۱

و. نسبت به تعزیر مدعی گفته شده: «حد قذف به تعزیر تبدیل نمی شود و مورد تعزیر نیست»؛ «آری می توان تعزیر کرد. ولی در مورد قذف کافر و مجنون، تعزیر خالی از اشکال نیست»؛ «بستگی به نظر قاضی دارد».

۱. گفته شده: «یشترط فی المقذوف الاحصان و هو فی المقام عبارة عن البلوغ و العقل و الحرية و الاسلام و العفة فمن استكملها وجب الحد بقذفه و من فقدها او فقد بعضها فلا حدّ علی قاذفه و علیه التعزیر... و اما غیر العفیف فان کان متظاهراً بالزنا او اللواط فلا حرمة له.... و لم لو یکن متظاهراً بهما فقذفه یوجب الحد...». تحریر الوسيلة، ج ۲، کتاب الحدود، ص ۴۷۴.

طبیعی است که پاسخ های حاضر به پرسش اخیر مثل بقیه موارد سزاوار بررسی و پذیرای نقد و ملاحظه است که به طور مستقیم یا به اشاره در تحقیق آتی صورت می پذیرد.

ز. در پاسخ به سوال مربوط^۲ برخی پرسشها به قرار ذیل است:

- در مواردی که دیه معین است در آن موارد قاضی باید علم به موضوع پیدا کند یا به شهادت شاهد عادل ثابت شود. و اگر موارد ارش باشد باید از نظر خیره [خیر] برای قاضی جامع الشرائط وثوق حاصل شود و لو آن که به تعدد خیره باشد؛
- در فرض سوال، نظر آنان دلیل اثبات مستقلى نمی باشد؛
- نظر کارشناس به عنوان قول اهل خیره پذیرفته می شود؛
- اگر یقین برای قاضی نیاورد، به عنوان شهادت است که عدالت و تعدد^۳ در آن معتبر است؛
- اگر موجب اطمینان شود، کفایت می کند؛
- موارد مختلف است، مبنای نظریه‌ی کارشناس، یا خبرویت اوست، یا آزمایشات و امثال آن در شق دوم حصول اطمینان یا اتفاق نظر، که به طور طبیعی سبب اطمینان برای افراد متعارف می شود لازم است، و در شق اول، چنان چه باب قضا و مرافعات و حدود الهی باشد، شرائط شهادت از جمله تعدد معتبر است؛ در موارد متعارف دیگر، نظر کارشناس مورد اعتماد، که بر اساس خبرویت نظر میدهد همانند «خبر ثقه» حجت است.

نقد و تحقیق در مساله

باید پذیرفت که مجال گفتگو در مساله حاضر بسیار واسع است و موقعیت حاضر، ظرفیت آن را ندارد، با این همه نکاتی به عنوان تحقیق و نقد آن چه گذشت، بیان می گردد و تفصیل آن، به مجالات دیگر واگذار می شود. نقد و تحقیق اهداف فوق در قالب چند شماره ارائه می گردد؛ بدین قرار:

۲. متن پرسش که پاسخ ها ناظر به آن است، به این عبارت است :

«در متون فقهی و در کتاب دیات، در مواردی ارجاع امر به کارشناس شده و یا امتحان، آزمایش و اختصار حال مصدوم پیش بینی شده است؛ به عنوان مثال: هرگاه ضربه ای بر سر شخص وارد آید و مصدوم مدعی باشد که بینایی او یا بویایی او کم شده است، با آزمایش یا نظر دو خیره عادل، ادعای او ثابت می شود، بفرمایید: در خصوص موارد فوق آیا نظر کارشناس، به عنوان شهادت تلقی شده است یا خود دلیل اثبات مستقلى است؟».

۳. و جنسیت خاص؟